

کهریا ۱

ادبیات مدرن آمریکای لاتین

روبرتو گونسالس اجواریا

ترجمه‌ی لیلا مینایی



مجموعه‌ی کهریا این مجموعه چراغ راهی برای آشنایی با ادبیات جهان است و می‌کوشد بسترهای اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی مؤثر در شکل‌گیری میراث ادبی هر سرزمین را به خوانندگان معرفی کند. کتاب‌هایی که در این مجموعه منتشر می‌شود هم تاریخ ادبیات این سرزمین‌ها را شرح می‌دهد و هم آثار ادبی شاخص آن‌ها را بررسی می‌کند. سعی شده است زبان این مجموعه روان و پاکیزه باشد.

لیلا مینایی

متولد ۱۳۶۴، اهواز؛

کارشناس مترجمی زبان اسپانیایی؛

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛

مترجم (اسپانیایی و انگلیسی) و ویراستار

ادبیات مدرن آمریکای لاتین

ترجمه‌ی لیلا مینایی



نشر
فانجان

تهران
۱۳۹۸

گونسالس اچه‌واریا، روبرتو، ۱۹۴۳-م.	سرشناسه
González Echevarría, Roberto	عنوان و نام پدیدآور
ادبیات مدرن آمریکای لاتین / روبرتو گونسالس اچه‌واریا؛ ترجمه‌ی لیلا مینایی.	مشخصات نشر
تهران: نشر فنجان، ۱۳۹۷.	مشخصات ظاهری
۲۲۵ ص: مصور؛ ۱۳/۵×۲۵/۵ س.م.	فروست
علوم انسانی. ادبیات مدرن آمریکای لاتین.	شابک
مجموعه‌ی کهربا؛ ۱.	وضعیت فهرست‌نویسی
۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۴۲-۰-۸	یادداشت
فیبا.	یادداشت
کتاب‌نامه.	یادداشت
واژه‌نامه.	یادداشت (عنوان اصلی)
نمایه.	ادبیات اسپانیایی آمریکای لاتین — تاریخ و نقد.
<i>Modern Latin American Literature: A Very Short Introduction</i> , 2012.	موضوع
Spanish American literature — History and criticism.	موضوع
مینایی، لیلا، ۱۳۶۴-، مترجم.	شناسه‌ی افزوده
PQ ۷۰۸۱/۴ الف‌گ/۹	رده‌بندی کنگره
۸۶۰/۹۹۸	رده‌بندی دیویی
۵۳۴۵۶۷۲	شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی

این کتاب ترجمه‌ای است از

Modern Latin American Literature: A Very Short Introduction (2012)
 Written by Roberto González Echevarría
 New York: Oxford University Press

نویسنده	روبرتو گنزالس اجوارِیا
مترجم	لیلا مینایی
طراح جلد	حسن کریمزاده
تصویر جلد	مهدی کریمزاده
ناظر فنی	انوشه صادقی آزاد
ناظر چاپ	علی سجودی
نویت چاپ	اول، ۱۳۹۸
چاپ	شاد رنگ
تیراژ	۱۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۴۲-۰-۸

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.

فهرست

تقدیم‌نامه	یازده
پیش‌گفتار مترجم	سیزده
سیاس‌گذاری نویسنده	هفده
۱ مقدمه	۱
۲ شعر از رمانتیسم تا مدرنیسمو: از پیو تا داریو	۹
۳ نثر قرن نوزدهم: برآمدن آمریکای لاتین	۳۳
۴ شعر از مدرنیسمو تا مدرنیسم	۵۷
۵ ادبیات داستانی آمریکای لاتین در قرن بیستم:	
از منطقه‌گرایی تا مدرنیسم	۹۷
۶ ادبیات امروز آمریکای لاتین	۱۳۷
برای مطالعه‌ی بیشتر تر	۱۴۷
اصطلاح‌نامه	۱۵۱
نام‌نامه	۱۵۷

به یاد اوکتاویو کورروالان
معلم اهل توکومان

_____ نویسنده

تقدیم به خواهرم، فاطمه
به پاس نخستین آفرین‌ها

_____ مترجم

پیش‌گفتار مترجم

«ادبیات آمریکای لاتین» شامل آثاری است که در آمریکای لاتین، یعنی بخش‌هایی از آمریکای شمالی و کل آمریکای جنوبی و جزایر کارائیب، به زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی نوشته و خوانده می‌شوند. آثار آن دسته از نویسندگان اهل آمریکای لاتین را که در ایالات متحده‌ی آمریکا یا اروپا ساکن‌اند نیز می‌توان در زمره‌ی این ادبیات به شمار آورد. اما منظور از «ادبیات آمریکای لاتین» در سراسر کتاب حاضر «ادبیات اسپانیایی-آمریکایی» یا همان ادبیات اسپانیایی‌زبان در سراسر آمریکای لاتین است.

ادبیات آمریکای لاتین تاریخی غنی دارد که از دوره‌ی پیش از استعمار (عمدتاً شامل ادبیات شفاهی تمدن‌های بومی آمریکایی از جمله اولمک‌ها، مایاها، اینکاها و آزتک‌ها) آغاز می‌شود و تا ادبیات امروز ادامه می‌یابد. دوره‌ی استعمار، که با ورود دریانوردان اسپانیایی به قاره‌ی آمریکا در قرن پانزدهم و کشف «دنیای نو» آغاز شد، به آن سبب در تاریخ ادبیات آمریکای لاتین اهمیت دارد که نقطه‌ی آغاز ادبیات مکتوب در آمریکای لاتین است. نخستین نوشته‌های آن دوره که غالباً با عنوان «ادبیات کشف و فتح» از آن‌ها یاد می‌شود، گزارش‌ها و نامه‌ها و وقایع‌نامه‌هایی بود که بیش‌تر به قلم مبلغان مسیحیت در قاره‌ی نویافته نوشته می‌شدند و موضوع‌شان نحوه‌ی مواجهه‌ی «فاتحان» اسپانیایی با

سرخ‌پوستان بومی آمریکا بود. در قرن هفدهم، ادبیاتی در آمریکای لاتین شکل گرفت که بعدها به باروک سرخ‌پوستی* شهرت یافت و متأثر از هنر و ادبیات باروک بود که آن زمان در اروپا رواج و مقبولیت یافته و از راه اسپانیا به مستعمره‌هایش در آمریکای لاتین رسیده بود. به طور کلی، در طول سه قرن دوره‌ی استعمار، ادغام فرهنگ بومی سرخ‌پوستان قاره‌ی آمریکا با زبان و مذهب و سنت‌های فرهنگی اسپانیایی ویژگی‌هایی به ادبیات آمریکای لاتین بخشید که خاص همان سرزمین بود. به تدریج نگاه نوی شاعران و نویسندگان در قرن هجدهم و نوآوری‌های‌شان در آفرینش آثار ادبی، که بازتاب دغدغه‌های فرهنگی‌شان نیز بود، در کنار عوامل دیگر بر تحولات سیاسی بعدی تأثیر گذاشت. با آغاز جنبش‌های استقلال‌طلبانه در اوایل قرن نوزدهم و به بار نشستن برخی از این جنبش‌ها، مهم‌ترین دغدغه‌ی فکری نویسندگان و روشنفکران کشورهای رهاشده از استعمار دستیابی به هویت و ادبیات مستقل بود.

کتاب حاضر با بحث درباره‌ی همین دغدغه‌ی فکری آغاز می‌شود. نویسنده در فصل نخست کتاب شرح می‌دهد چگونه ادبیات آمریکای لاتین در نیمه‌ی قرن نوزدهم هویت مستقلی یافت. در فصل دوم دگرگونی‌های شعر قرن نوزدهم آمریکای لاتین را بررسی می‌کند. فصل سوم مربوط می‌شود به نثر قرن نوزدهم آمریکای لاتین و تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای انواع نوشتار منشور و نیز دغدغه‌های هویتی که موضوع اصلی ادبیات آن دوره بود. فصل چهارم به ادامه‌ی بحث شعر اختصاص یافته است، ولی این بار در قرن بیستم، و از «مدرنیسم» و طرفداران این جنبش ادبی در سراسر قاره تا جریان‌های شعری مخالف با آن و برآمدن شاعران بزرگ مستقل بحث می‌شود. در فصل پنجم، نویسنده به سراغ آثار داستانی قرن بیستم آمریکای لاتین می‌رود، همچنین به جنبش موسوم به «بوم» و ظهور غول‌های ادبی آمریکای لاتین می‌پردازد. فصل ششم نگاهی کلی است به ادبیات امروز آمریکای لاتین و جریان‌ها و جنبش‌های پس از «بوم»، و نیز برخی نویسندگان مطرح و نوآور ادبیات امروز. به این ترتیب، این کتاب درآمدی است نسبتاً جامع برای آشنایی با روند شکل‌گیری ادبیات امروز آمریکای لاتین و تاریخ و مکاتب آن. اما همان‌طور که خود نویسنده در بخش

سپاس‌گزاری اشاره کرده است او به تعدادی از شاعران و نویسندگان مهم آمریکای لاتین نپرداخته است. از میان آن‌ها می‌توان اشاره کرد به ماریو بندتی^۱، داستان‌نویس و شاعر اروگوئه‌ای؛ خوسه امیلیو پاچکو^۲، شاعر مکزیک‌ی؛ و خوسه ماریا آرگداس^۳، رمان‌نویس پرویی.

روبرتو گونسالس اِچوآزیا (متولد ۱۹۴۳، کوبا)، نویسنده‌ی کتاب، استاد دانشگاه پیل در رشته‌ی ادبیات آمریکای لاتین و ادبیات تطبیقی است. او پس از گذراندن دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های فلوریدای جنوبی و ایندیانا، در ۱۹۷۰ از دانشگاه پیل مدرک دکتری گرفت و از همان زمان تاکنون در همین دانشگاه تدریس می‌کند و دارای بالاترین رده‌ی علمی استادی آن‌جاست. او همچنین از دانشگاه‌های کُلِگیت، فلوریدای جنوبی و کلمبیا دکترای افتخاری دریافت کرده است. اِچوآزیا که از ۱۹۹۹ عضو آکادمی هنر و علوم آمریکاست مؤلف و ویراستار کتاب‌های پژوهشی بسیاری در زمینه‌ی ادبیات اسپانیایی‌زبان و پرتغالی‌زبان و نیز ادبیات تطبیقی است و بیش از صدوپنجاه مقاله در نشریات معتبر اروپا و آمریکا و آمریکای لاتین در حوزه‌ی تخصصی خود نوشته است. فعالیت‌های پژوهشی او جوایز متعددی نیز نصیبش کرده است، از جمله «مدال ملی علوم انسانی» که در سال ۲۰۱۱ از دست رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده‌ی آمریکا، باراک اوباما، در کاخ سفید دریافت کرد. نوشته‌های او به زبان‌های مختلف از جمله فرانسه، آلمانی، لهستانی، پرتغالی، ایتالیایی، چینی و فارسی^۴ ترجمه شده‌اند.

در این‌جا ذکر چند نکته ضروری است. پانویس‌های توضیحی سراسر کتاب از مترجم است. کتاب «نام‌نامه» ای دارد که همه‌ی نام‌های خاص (اعم از آثار و اشخاص و مکان‌ها) را با ارجاع به شماره‌ی صفحات دربر می‌گیرد، و نیز «اصطلاح‌نامه» ای توصیفی شامل اصطلاح‌هایی که در متن آمده‌اند و در اولین کاربردشان در هر فصل با علامت * مشخص شده‌اند. در ضبط اسامی عمدتاً از ضبط اصلی اسپانیایی تبعیت کرده‌ام، مگر در اسامی مشهور، مانند پانچو ویلا (ضبط اصلی: پانچو بیئا)، آنده (ضبط اصلی: آپنده)، دون کیشوت (ضبط اصلی: دون کیشوته). در زبان اسپانیایی تلفظ حرف Z بیش از آن‌که به «ز» نزدیک باشد

به «س» نزدیک است، و من در مواردی که نامی شناخته شده و جاافتاده بود (مانند مارکز، پاز، کروز) تغییری در نام ندادم، اما در موارد دیگر ضبط اصلی را نوشتم.^۵ به علاوه، در شیوهی نگارش نام‌هایی چون خوآن و خوآن، روئا باستوس و روآ باستوس، و اوآینا کاپاک و اوئائینا کاپاک، من صورت دوم را برگزیده‌ام.

در پایان لازم می‌دانم تشکر کنم از همراهی بی‌دریغ جناب رضا رضایی، مترجم بزرگوار، که با راهنمایی‌های ایشان این ترجمه به ثمر نشست. سپاس‌گزارم از محمدمنصور هاشمی عزیز که متن نهایی کتاب را پیش از چاپ خواند و تذکرات ارزشمندی داد. همچنین ممنونم از دوستانم در نشر فنجان، مجید رنجبر و روزبه افتخاری، که هم پیشنهاد ترجمه و انتشار این کتاب را مطرح کردند و هم برای بهبود متن کتاب صبورانه یاری‌ام کردند و کتاب را با کیفیتی مطلوب در اختیار خوانندگان قرار دادند.

_____ تهران، بهار ۱۳۹۷

1. Mario Benedetti (1920-2009)

2. José Emilio Pacheco (1939-2014)

3. José María Arguedas (1911-1969)

۴. کتاب داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین که گزینش و گردآوری اوست در سال ۱۳۸۰ با ترجمه‌ی عبدالله کوثری و به همت نشر نی در ایران منتشر شد.

۵. البته در دایرةالمعارف فارسی دکتر غلامحسین مصاحب، در برابر z، جز در استثنای مشهور، از حرف «ث» استفاده شده که با تلفظ عربی شاید نزدیک‌ترین صدا به صدای z اسپانیایی باشد، ولی این روش در ایران چندان رواج نیافته است.

سپاس‌گزاری نویسنده

ویراستار انتشارات آکسفورد، نانسی تاف^۱، به من پیشنهاد کرد چنین کتابی بنویسم، و واقعاً هم پیشنهاد خوبی بود. خلاصه کردن بیش از دو قرن ادبیات مدرن آمریکای لاتین در حجمی چنین کوچک برای من چالشی جذاب و برانگیزنده بود، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ شیوه‌ی بیان. این کوشش باعث شد مسائل مختلفی را برای خودم روشن کنم که امیدوارم برای خواننده هم روشن شوند. در عین حال، ناچار بودم اصل متون تاریخ ادبیات جدید آمریکای لاتین را از نظر کیفیت و تأثیرگذاری موشکافانه ارزیابی کنم. ارزیابی عموماً امری رایج است اما در نقد ادبی کم‌تر به آن بها می‌دهند و درباره‌اش بحث می‌کنند. اطمینان دارم که برخی همکارانم با همه‌ی انتخاب‌هایم موافق نیستند و بسیاری نیز از این‌که مطالب و موضوعاتی به‌ناچار در کتابم ناگفته مانده‌اند ناراضی خواهند بود، اما کافی است خودشان دست‌به‌کار شوند و کاری مشابه و به همین فشردگی بنویسند. همواره گفته‌ام که نقد کردن تازه شروع بحث است، نه سرانجام آن. خوشبختانه عموم خوانندگان را با این اختلاف‌نظرها کاری نیست. امیدوارم این کتاب بتواند خوانندگان را به مطالعه‌ی ادبیات آمریکای لاتین ترغیب کند.

وقتی این کتاب فشرده را می‌نوشتیم می‌دانستم که همکار فرهیخته و دوست عزیزم، رولنا آدورنو^۲، مشغول نوشتن جلد دیگر این مجموعه یعنی ادبیات آمریکای

لاتین در دوران استعمار است.^۳ ما توافق کردیم که آندرس بیو نقطه‌ی تلاقی این دو کتاب باشد، تا خوانندگان هر دو کتاب بتوانند دو برداشت از این متفکر ونزوئلایی را در برابر خود ببینند. من در هر مرحله از کار با رولنا مشورت کردم و از دانش، فراست و قوه‌ی تشخیص او بهره‌ها بردم. با این حال، بی‌شک او مسئول خطاهایی نیست که من، به رغم مشاوره‌های خردمندانه‌اش، مرتکب شده‌ام.^۴

جینیفر درل^۴، محقق جوان، تمام مدتی که این کتاب را می‌نوشتم دستگیری باهوش، سخت‌کوش و دانا بود و من قادر نیستم قدردان همه‌ی زحماتش باشم. نوشتن این کتاب را در تعطیلات^۵ پیش از شروع ترم بهاره در سال ۲۰۱۰ شروع کردم، روی میز اتاق ناهارخوری آپارتمانی که در جزیره‌ی آناماریای فلوریدا اجاره کرده بودیم. همسر عزیز و مهربانم، ایسابل^۵، در این مدت مشوق و مراقبم بود و خیلی وقت‌ها از من می‌خواست در کارم وقفه‌ای بیندازم و استراحتی بکنم. نوشتن این کتاب تا تابستان همان سال ادامه یافت تا آن‌که برای دو هفته اقامت به شیلی (سانتیاگو و کونسپسیون^۶) رفتیم. آن‌جا روبرتو اوسون^۷، دوست و میزبانم، استاد دانشگاه اسقفی کاتولیک شیلی^۸، هم‌صحبتی تیزبین بود که با بحث کردن درباره‌ی بسیاری از نظرها و انتخاب‌هایم مرا وامدار نکته‌سنجی‌های خود کرد. همچنین سیاس‌گزارم از گوستاوو پِرس فیرمات^۹، از دانشگاه کلمبیای آمریکا، که مباحثه (و جدل) با او برایم سودمند بود و امیدوارم برای کتاب هم همین‌طور بوده باشد.

1. Nancy Toff

2. Rolena Adorno

۳. منظور کتاب زیر است از همین مجموعه:

Adorno, Rolena. *Colonial Latin American Literature: A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press, 2011.

4. Jennifer Darrell

5. Isabel

6. Concepción

7. Roberto Hozven

8. Pontificia Universidad Católica de Chile

9. Gustavo Pérez Firmat

ادبیات آمریکای لاتین در دهه‌ی ۱۹۶۰ شهرتی چنان عالم‌گیر یافت که سابقه نداشت. خورخه لوئیس بورخس، گابریل گارسیا مارکز، خولیو کورتاسار، ماریو بارگاس یوسا، کارلوس فوننتس، پابلو نرودا و اوکتاویو پاز در دنیای فرهنگی خوانندگان روشنفکر غربی جای خود را باز کردند. میگل آنخل آستوریاس، پابلو نرودا، گابریل گارسیا مارکز و اوکتاویو پاز جایزه‌ی نوبل گرفتند و، آن‌طور که می‌گویند، در حال حاضر گابریل گارسیا مارکز در چین تأثیرگذارترین نویسنده است. ماریو بارگاس یوسا نیز در ۲۰۱۰ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل شد. با این همه، آن سنت ادبی که این نویسنده‌ها از آن برخاسته‌اند همچنان برای بسیاری ناشناخته مانده است.

البته آمریکای لاتینی‌ها سابقه‌ای طولانی در نوشتن داشتند، اما در دهه‌ی ۱۸۵۰ بود که ادبیات آمریکای لاتین هویت مستقل یافت. در این دهه، گروهی از مهاجران و دیپلمات‌های چند کشور آمریکای لاتین، که در پاریس همدیگر را یافته بودند، بر آن شدند که نشریه‌ای منتشر کنند و در آن، متون نوشته‌شده در دوران استعمار را نقد و بررسی کنند. آن‌ها این متون را خاستگاه سنت ادبی نویافته‌ی خود می‌دانستند. این روند نقد متون دوران

استعمار و همزمان با آن، بهره‌گیری از این متون، در پی کسب استقلال از اسپانیا آغاز شد و جریان‌ها و جنبش‌هایی پدید آورد که هنوز هم تداوم دارند.

در جریان اول، ادبیات آمریکای لاتین پدیده‌ای قاره‌ای قلمداد می‌شد، نه صرفاً مجموعه‌ای از ادبیات ملت‌های مختلف در روند دگرگونی‌های سیاسی. اولین دگرگونی استقلال و پیامدهایش بود، و سپس جنگ اسپانیا و آمریکا که هم آخرین بقایای امپراتوری اسپانیا را از بین برد و هم شکاف عمیق میان دنیای اسپانیایی و آمریکایی-انگلیسی و میان اسپانیا و مستعمره‌های پیشینش را آشکار کرد. آگاهی بر این شکاف و تفاوت فرهنگی مسبب ظهور مدرنیسم^{*} بود: اولین جنبش ادبی که از دل آمریکای لاتین برخاست. با پایان جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب‌های روسیه و مکزیک در ابتدای قرن بیستم، اندیشه‌های آوانگاردی بروز یافت که منجر به خلق آثار ادبی بسیاری شد، بیش‌تر در شعر و کم‌تر در ادبیات داستانی. واقعه‌ی مصیبت‌بار جنگ جهانی اول در اروپا آرمان‌ها و آرزوهایی را بر باد داد که در قرن نوزدهم، یعنی عصر طلایی یافته‌های علمی و توسعه‌طلبی افسارگسیخته‌ی امپراتوری‌ها، پدید آمده بود.

غرب غرق در بحران بود، اما این بحران نوعی رهایی در هنر به ارمغان آورد که اروپا را در بر گرفت و گستره‌اش تا آمریکای لاتین هم رسید. در این زمان در آمریکای لاتین بر تعداد جنبش‌های آوانگارد یکی پس از دیگری افزوده می‌شد و همین به فعالیت‌های ادبی میدان می‌داد. طی جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) نویسندگانی از سراسر دنیا، که بسیاری‌شان آمریکای لاتینی بودند، در شبه‌جزیره‌ی ایبری گرد هم آمدند تا در راه جمهوری بجنگند. اجتماع اهل قلم آمریکای لاتین و اسپانیا، به‌خصوص شاعران، حس سیاسی و هنری مشترکی به آن‌ها داد و عصر طلایی شعر اسپانیا را رقم زد. انقلاب کوبا در دهه‌ی ۱۹۶۰ و گرایش عمومی به

استعمارزدایی نیز جنبشی در رمان آمریکای لاتین برانگیخت که به نام «بوم»^{*} شناخته شد.

نویسندگان آمریکای لاتین در مقاطع بحرانی تاریخ، خود را بخشی از ادبیات کل قاره می‌بینند اما هر کشور آمریکای لاتین با حمایت و پشتیبانی دولتش ادبیات خاص خود را دارد، با ویژگی‌هایی بومی و نویسندگانی شناخته‌شده. به سبب ماهیت بوروکراتیک متمرکز جمهوری‌های آمریکای لاتین، نویسندگان و دیگر روشنفکرانش اغلب حقوق‌بگیر دولت‌اند: گاه در مناصب بلندپایه قرار می‌گیرند، مثلاً سفیر می‌شوند، و گاه شغل‌های معمولی دارند، مثلاً معلم و کارمندند. ادبیات مهم‌تر در کشورهای بزرگ‌تر پدید آمده است، به‌خصوص کشورهایهایی که در دوران استعمار مسقر نایب‌السلطنه‌های اسپانیا بودند: مکزیک، پرو و منطقه‌ی ریو دِ لا پلاتا (در ساحل جنوب شرقی آمریکای جنوبی). با این حال، کلمبیا و شیلی و کوبا ادبیات شکوفایی داشتند، به‌خصوص کوبا که در پایتختش، بندر هاوانا، ناوگان‌ها سالانه دوبار جمع می‌شدند و قلمروهای امپراتوری اسپانیا را به مرکز امپراتوری پیوند می‌دادند. در عین حال، وسعت یا اهمیت کشور تضمینی برای ظهور نویسندگان مهم نبود. کشور کوچک نیکاراگوئه در ۱۸۶۷ شاهد تولد روبن داریو بود که تأثیرگذارترین شاعر در زبان اسپانیایی بعد از گارسیلاسو دِ لا پگا (۱۵۰۱-۱۵۳۶) است.

جریان دومی که نویسندگان و روشنفکران مقیم پاریس به راه انداختند این بود که هنرمندان آمریکای لاتینی پیوسته جذب پاریس شدند و در هر زمان ممکن جنبش‌های ادبی و هنری خود را از آن‌جا آغاز کردند. با توجه به این‌که نوزده کشور آمریکای لاتین در قلمرویی پهناور پراکنده شده‌اند، کلان‌شهری وجود نداشت تا آمریکای لاتینی‌ها بتوانند در آن جمع شوند، مثل نیویورک که آمریکایی‌ها در آن گردهم می‌آمدند، یا لندن که انگلیسی‌ها. سواى عامل جغرافیایی، پاریس نماد رهایی از سنت اسپانیایی

بود و تأکید بر جنبه‌ی جهان‌وطنی که اسپانیا فاقدش بود. نویسندگان و روشنفکران آمریکای لاتین فرانسه‌محور بودند و در میان بزرگان‌شان کم بودند کسانی که فرانسه تکلم نمی‌کردند. اکثر آن‌ها هنوز هم همین‌طورند.

این جهت‌گیری قاره‌ای و جهانی کیفیتی به ادبیات آمریکای لاتین می‌داد که آن را از ادبیات ایالات متحده‌ی آمریکا متمایز می‌کرد، اما به رغم این تمایز اساسی، آمریکای لاتین در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم روابطش را با ایالات متحده‌ی آمریکا حفظ کرد. ادبیات آمریکای لاتین عمدتاً شهری است و برخلاف ادبیات آمریکایی-انگلیسی، در آن طبیعت و روستا منبع الهام و جایگاه آرمانی برای آفرینش نیست. در ادبیات آمریکای لاتین طبیعت به شکل جنگل‌ها یا دشت‌های بی‌انتهای حضوری تهدیدگر و در عین حال افسونگر دارد، حافظ رازهای نهان فردی و جمعی است و به‌ندرت مانند محیط شبانی حالتی آرمانی به خود می‌گیرد.

سومین اقدام ماندگار آن روشنفکران پیش‌گفته‌ی آمریکای لاتین در پاریس (جریان سوم) راه‌اندازی نشریه برای ترویج آراء فلسفی و هنری‌شان بود. تاریخ ادبیات مدرن آمریکای لاتین را می‌توان بر اساس ترتیب پیدایش جراید در نقاط مختلف قاره‌ی اروپا نوشت، که البته نوشته هم شده است. اولین نشریه را آندرس پیو، روشنفکر ونزوئلایی، زمانی که در لندن بود و نه در پاریس، در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۷ با عنوان *ال پِرتوریو آمریکانو* (گنجینه‌ی آمریکایی) منتشر کرد. اقدام او فردی بود، نه گروهی. بعد نشریات دیگری از راه رسیدند، از جمله یکی در پاریس، و سپس سور (جنوب) در بوئنوس آیرس، اورینیس (ریشه‌ها) در هاوانا، کونتیمپورانئوس (معاصران) در مکزیکوسیتی، و آسومانته در سان‌خوآن پورتوریکو. تعداد دیگری هم بودند، از جمله *لتراس لیپرس* (ادبیات آزاد) در مکزیک که هنوز هم منتشر می‌شود. بیش‌تر این نشریات مستقل بودند اما برخی را دولت‌ها حمایت می‌کردند، مثل *کاسا د لاس آمریکاس* (خانه‌ی

آمریکاهای) در هاوانا که مخلوق حکومت کمونیستی فیدل کاسترو و بخشی از تبلیغات فرهنگی آن بود.

جریان دیگری که نویسندگان اهل آمریکای لاتین اما پاریس‌نشین قرن نوزدهم به راه انداختند (جریان چهارم) این بود که کوشیدند متون دوران استعمار را با پیشینه‌ی ادبی مشترک یا خاستگاه خود درآمیزند. این رماتیک‌ها تلاش کردند با منابع مهم و مستقل خودشان سنتی نو خلق کنند، مثل آثاری که ادبیات اروپا بر اساس حماسه‌های ملی خود چون سرود سید، سرود رولان، نیلونگن‌لید، و بیولف خلق کرده بود. این کار در آمریکای لاتین پیچیده‌تر بود زیرا آثار دوران استعمار محصول دوره‌ی سلطه‌ی اسپانیا بر آمریکای لاتین بود و بیش‌تر آثار این دوره را نویسندگانی نوشته بودند که زاده‌ی اسپانیا بودند. راه‌حل این مسئله آن بود که تأکید شود آنچه در جریان کشف و تسخیر آمریکا رخ داده و دارای کیفیتی حماسی نیز بوده، در همان سرزمینی اتفاق افتاده که بعدها آمریکای لاتین شده است. به‌علاوه، فعالیت‌های این نویسندگان موجب شد به هنرمندان و نویسندگان جریان فکری قدرتمندی در قرن هفدهم، که بعدها به باروک سرخ‌پوستی* شهرت یافت، توجه خاص شود. طرفداران این جریان فکری آمریکایی بودن را خصیصه‌ی ذاتی و منحصر‌به‌فرد باروکی خود می‌دانستند و بر آن تأکید داشتند. بسیاری از نمونه‌های این متون در زمان آفرینش، بر ساخته‌هایی قدرت‌بخش و بسیار جذاب بوده‌اند.

نخستین نویسندگان آمریکای لاتینی و هم‌تایان آمریکایی‌شان آرزوی مشترکی داشتند برای آفرینش ادبیاتی که جدید بودنش بازتابی بود از نو بودن قاره‌ی آمریکا، یعنی مهد پیدایش آن. این آرزو تا امروز هم تداوم دارد. این «نو بودن» بعدها گره خورد به حضور آمریکای لاتینی‌هایی که با تاریخ غرب بیگانه بودند، زیرا یا بومی قاره‌ی آمریکا بودند یا، مثل اعقاب آفریقایی‌ها، تبار اروپایی نداشتند. در هر صورت، این تازگی تا امروز دوام

داشته است، و حتا این تناقض که هم زبان و هم قراردادهای ادبی ادبیات آمریکای لاتین هر دو کاملاً غربی‌اند مؤید همان تازگی است. تلاش سترگ والت ویتمن برای نگارش حماسه‌ای شخصی و جمعی که واقعیت‌های جدید قاره‌ی آمریکا را نشان بدهد، در آمریکای لاتین در اشعار امثال نرودا و در داستان‌های گارسیا مارکز نمود یافت. پاسخ بورخس به معضل آمریکای لاتینی‌ها، وقتی بر آن شدند سنتی نو خلق کنند که خود ریشه در سنتی غربی داشت، این بود که آمریکای لاتینی‌ها سنت غربی را از آن خود بدانند اما به آن تقدس نبخشند تا آزاد باشند و به آن احساس دین نکنند. کلنجر رفتن با این معضل در آمریکای لاتین موضوع پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی هویت (هم هویت ملی و هم هویت آمریکای لاتینی) شده است، و هر یک از این پژوهش‌ها خود متأثر از خاستگاه پژوهشگر نیز بوده است.

اما آمریکای لاتین چیست و چگونه به این نام خوانده شد؟ امپراتوری اسپانیا به یمن سه عامل زبان اسپانیایی، کلیسای کاتولیک و قانون، که با سلطه‌جویی صادر و ترویج کرد، به متصرفات خود در قاره‌ی آمریکا وحدتی چشمگیر و انعطاف‌پذیر بخشید. این سه عامل در فرهنگ آمریکای لاتین باقی ماندند و فرهنگ آمریکای لاتین در این سه عامل و نیز در نهادهای دیگری چون آموزش و پرورش همواره با غرب پیوندی محکم داشته است و دارد (در برخی آثار آمریکای لاتین، مثل سرود همگانی و صد سال تنهایی، می‌توان تصویری یکپارچه از آمریکای لاتین را دید مبتنی بر نوعی حس نوستالژی به امپراتوری اسپانیا و نیز به جهان شمولی کاتولیک که قدمتش به امپراتوری روم می‌رسد). استقلال یافتن کشورهای آمریکای لاتین پیوند آن‌ها را با غرب نگسست، و به رغم این‌که در آمریکای لاتین نوزده کشور اسپانیایی‌زبان وجود دارد، این نوزده کشور سنت فرهنگی واحدی دارند و تبادلات فکری و هنری پایداری میان‌شان و نیز میان آن‌ها و اسپانیا برقرار است.

در اواسط قرن نوزدهم و بعد از استقلال کشورهای آمریکای لاتین، فرانسوی‌هایی که کشتی‌های خود را در مکزیک بارگیری می‌کردند و قصد داشتند مستعمره‌های پیشین اسپانیا را تصاحب کنند، نام «لاتین» بر آمریکای لاتین نهادند. فرانسوی‌ها ریشه‌ی مشترک لاتینی اسپانیا و فرانسه را وسیله قرار دادند تا با آمریکای لاتینی‌ها علیه آمریکایی‌انگلیسی‌ها، یا همان ایالات متحده‌ی آمریکا، متحد شوند. البته عنوان «آمریکای لاتین» به این تعبیر نادرست است؛ هم به این علت که خیلی‌ها در آمریکای لاتین از نژاد اروپایی نیستند و هم این‌که ریشه‌ی لاتین برمی‌گردد به باورهای کاذب زبانی که چندان ارتباطی با سیاست ندارند. انگلیسی‌زبانی ژرمنی است اما هیچ‌کس ساکنان ایالات متحده‌ی آمریکا یا کانادا را آمریکایی ژرمنی نمی‌خواند. در هر حال، این نام هر قدر هم که نادرست و نامربوط باشد، بر قلمروهای امپراتوری پیشین اسپانیا باقی ماند، البته در رقابت با نام‌های ایسپانوا آمریکا (آمریکای اسپانیایی)، ایرو آمریکا (آمریکای ایریایی)، و حتا ایندو آمریکا (آمریکای سرخ‌پوستی). از آن‌جا که معنای امروزی آمریکای لاتین حدوداً برمی‌گردد به همان زمانی که این نام را بر این سرزمین نهادند، پربراه نیست اگر همچنان همین نام را به کار بریم. در عین حال باید در نظر داشت که هیچ نامی هرگز نمی‌تواند به طور کامل معرف هیچ منطقه، ملت یا نژادی باشد.

و اما برزیل. ادبیات برزیل، بعد از ادبیات ایالات متحده‌ی آمریکا، غنی‌ترین ادبیات ملی در قاره‌ی آمریکاست و تبادلات ادبی ادواری اما ماندگاری با دیگر بخش‌های قاره‌ی آمریکا داشته است. ادبیات برزیل مستقل است و به زبانی هم‌ریشه با زبان اسپانیایی اما متفاوت از آن [یعنی پرتغالی] نوشته شده و گرچه قطعاً آمریکای لاتینی است، نمی‌توان آن را با ادبیات آمریکای اسپانیایی‌زبان ذیل عنوانی مشترک قرار داد.